

آموزه‌های حج و مسئله ارتقای دیپلماسی

سیدمحمدعلی هاشمی^۱

چکیده

«حج و دیپلماسی» و «زیارت و دیپلماسی»، از جمله محورهای بحث در کلان موضوع «حج پژوهی» است. باور به مسئله بودن ارتقای دیپلماسی در ایران امروز و تأکید بر این مهم که سطح قابل اعتنایی از ناکامی‌های موجود، برون‌داد فهم نادرستی از دین و آموزه‌های دینی است، از جمله علل موجه بحث از «آموزه‌های حج» در باب ارتقای دیپلماسی است. در این میان به نظر می‌رسد آموزه‌های حج که به نوعی دارای ابعاد عبادی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است، ظرفیت‌های قابل اعتنایی در ارتقای دیپلماسی ایرانی دارد. بررسی نصوص و گزاره‌های قرآنی و روایی مرتبط با حج در پژوهشی استنباطی - تحلیلی با دغدغه کشف و رصد پتانسیل‌های این آموزه‌ها در نیل به ارتقای دیپلماسی، مسئله و هدف این پژوهش است. با این هدف گزاره‌های قرآنی و روایی مرتبط با حج، ذیل محورهای «کنفرانس سالانه حج و لزوم بازاندیشی و ارتقای دیپلماسی عمومی در فضایی چندملیتی و چندفرهنگی»، «برنامه اقدام مشترک صلح حدیبیه و دیپلماسی مذاکره چندساخته با محوریت روایت حج»، «آموزه‌های حج و دیپلماسی برای صلح جهانی»، «دیپلماسی حقوق بشری حج»، «حرم و امنیت مطلق انسان و حیوان: بنیانی برای ترویج دیپلماسی بشردوستانه» و «آموزه‌های حج و لزوم توجه به دیپلماسی محیط زیستی»، مورد بررسی قرار گرفته است. **کلیدواژه‌ها:** حج، ابعاد حج، حج و دیپلماسی، دیپلماسی دینی، فقه بین‌الملل و اسلام سیاسی.

۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز (mohammadalhashemi@shirazu.ac.ir).

«حج پژوهی» به مجموعه‌ای از پژوهش‌های علمی اطلاق می‌شود که به موضوع حج و مسائل مرتبط با آن می‌پردازد. رسالت این پژوهش‌ها پرداختن به حج، زوایا و ابعاد مختلف آن و زمینه‌سازی برای شکل‌گیری ادبیات و کنش‌های پژوهش‌بنیان در زمینه حج و مسائل مرتبط با آن است؛ چنان‌که آموزه‌های حج را از ابعاد مختلفی می‌توان مورد بررسی قرار داد؛ از جمله: بعد عبادی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی.

مدیریت اطلاعات و پژوهش در زمینه حج و تدوین نظام موضوعات مورد نیاز در این زمینه، نقش ویژه‌ای در به سامان رسیدن فرایندهای حج پژوهی دارد. (هاشمی، ۱۳۹۶، ص ۳۹) بحث از «حج و دیپلماسی» و «زیارت و دیپلماسی»، از جمله محورهای بحث در «حج پژوهی» است.

«دیپلماسی»،^۱ دانش و هنر تنظیم روابط و حل اختلافات در عرصه بین‌الملل به شیوه‌های مسالمت‌آمیز است. دیپلماسی آشکار، دیپلماسی پنهان و دیپلماسی عمومی از جمله سطوح متداول دیپلماسی هستند. دیپلماسی عمومی، سطح عصری‌تر دیپلماسی است. (علی‌بابایی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۶-۱۶۷؛ طلوعی، ۱۳۸۵، ص ۴۷۱) دیپلماسی برای نیل به اهداف خویش از طریق مُدارا و بر پایه ابزارهایی مثل اقناع، مصالحه و تهدیدِ توسل به زور، به انجام می‌رسد. (مورگنتا، ۱۳۸۹ش، ص ۸۴۸-۸۴۹) دیپلماسی عمومی^۲ معطوف به افکار عمومی و مردم سایر کشورهاست. این سطح از دیپلماسی، شهروندان سایر کشورها را هدف قرار می‌دهد و شباهت زیادی به تبلیغات حکومتی دارد.

امروزه کنار این عناوین و تعابیر ناظر به سطوح دیپلماسی، از ترکیب

1. Diplomacy.

2. Public Diplomacy.

واژه‌های «دیپلماسی فرهنگی»^۱، «دیپلماسی حقوق بشری»^۲، «دیپلماسی حقوق بشردوستانه»^۳ و... بهره برده می‌شود. در این موارد بهره‌بری و تأکید بر ظرفیت‌های فرهنگی، ادبیات حقوق بشری و بایسته‌های حقوق بشردوستانه در فرآیند دیپلماسی، مد نظر است.

بحث از «آموزه‌های حج و مسئله ارتقای دیپلماسی»، بر پایه مفروض انگاشتن ناکارآمدی دیپلماسی موجود است. توضیح آنکه اگرچه دیپلماسی و ارتقای آن در هر شرایطی مطلوب است، ولی با توجه به ناکارآمدی وضعیت امروزی دیپلماسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جمهوری اسلامی، پرداختن به آن ضرورتی دوچندان دارد. بر همین اساس در عنوان پژوهش به «مسئله ارتقای دیپلماسی» تعبیر شده است. شرایط فعلی و با عیان بودن ناکارآمدی و عقیم بودن فرآیند دیپلماسی جاری در گستره و سطوح مختلف، باعث شده تعبیر به «مسئله»، در توصیف آن روا و بجا باشد. توافق بر این مهم، نقطه عطفی برای برون‌رفت دیپلماسی ایرانی از اتیسم معرفتی و کنشی مبتلابه است. البته ممکن است برخی با این مسئله همساز نباشند و دیپلماسی موجود را مطلوب و موفق بدانند. در این صورت هم با توجه به فازی و مشکک بودن مفهوم مطلوبیت، بحث و بررسی در زمینه ارتقای دیپلماسی، موجه است.

نکته دیگری که به عنوان مقدمه اشاره به آن بایسته است، چرایی بحث از «آموزه‌های حج» در باب ارتقای دیپلماسی است. باور به مسئله بودن ارتقای دیپلماسی در ایران امروز و تأکید بر این مهم که سطح قابل اعتنایی از ناکامی‌های موجود برون‌داد فهم نادرستی از دین و آموزه‌های دینی است، از جمله علل موجه بحث از «آموزه‌های حج»، در باب ارتقای دیپلماسی است؛ توضیح آنکه نظام جمهوری اسلامی، نظامی حکومتی بر پایه باور به تئوری

1. Cultural Diplomacy.
2. Human rights Diplomacy.
3. Humanitarian Diplomacy.

بودن فقه و معرفت فقهی به عنوان دکترین اداره و کنش سیاسی است. سیاست خارجی و به تبع آن دیپلماسی نیز در تلاش است که خود را با دکترین‌های فقهی وفق دهد و به نوعی بر اساس الگوریتم‌های فقهی و دینی به تعامل و ارتباط با ملل پردازد. در این میان به نظر می‌رسد حج پژوهی فقهی - که به نوعی دارای ابعاد عبادی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است - ظرفیت‌های قابل اعتنایی در این زمینه دارد. بررسی نصوص و گزاره‌های قرآنی و روایی مرتبط با حج در پژوهشی استنباطی - تحلیلی با دغدغه کشف و رصد پتانسیل‌های این آموزه‌ها در نیل به ارتقای دیپلماسی، مسئله و هدف این پژوهش است.

با این توضیح سیر این پژوهش با هدف پی‌جویی ظرفیت آموزه‌های مرتبط با حج برای ارتقای دیپلماسی در محورهای «کنفرانس سالانه حج و لزوم بازاندیشی و ارتقای دیپلماسی عمومی در فضایی چندملیتی و چندفرهنگی»، «برنامه اقدام مشترک صلح حدیبیه و دیپلماسی مذاکره چندساخته با محوریت روایت حج»، «آموزه‌های حج و دیپلماسی برای صلح جهانی»، «دیپلماسی حقوق بشری حج»، «حرم و امنیت مطلق انسان و حیوان: بنیانی برای ترویج دیپلماسی بشردوستانه» و «آموزه‌های حج و لزوم توجه به دیپلماسی محیط زیستی» به سامان می‌رسد.

کنفرانس سالانه حج و لزوم بازاندیشی و ارتقای دیپلماسی عمومی در فضایی چندملیتی و چندفرهنگی

حج یکی از مهم‌ترین عبادات و آموزه‌های اسلامی، و یکی از ارکان پنجگانه اسلام است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۸) بر اساس گزاره‌های روایی، حیات و استمرار دین و دینداری با حج‌گزاری و استمرار آن ارتباط وثیقی دارد: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ»^۱ (همان، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۷۱) شیخ حر در کتاب *تفصیل وسائل الشیعة فی تحصیل مسائل الشریعة*، ضمن بحث از «ابواب

۱. تا وقتی کعبه برپاست، دین هم برپاست.

وجوب الحج و شرائطه»، در باب چهارم تحت عنوان «بَابُ عَدَمِ جَوَازِ تَعْطِيلِ الْكَعْبَةِ عَنِ الْحَجِّ»، (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۲۰) شماری از گزاره‌های روایی را گزارش می‌کند که بر ناروایی تعطیلی حج تأکید دارند.

امروزه در ایام برگزاری حج، مسلمانان باورمند که شهروندانی از کشورها و ملیت‌های مختلف هستند، راهی حج می‌شوند. این مسئله باعث شکل‌گیری فضایی چندملیتی و چندفرهنگی در بستر کنش عبادی حج‌گزاری می‌شود. با توجه به اقلیت بودن شیعیان، امامان شیعی از این فرصت برای گسترش معارف شیعی بهره برده و آن را از جمله فواید حج برشمرده‌اند: «مَعَ مَا فِيهِ مِنَ التَّقْوَى وَ النَّقْلِ أَخْبَارِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى كُلِّ صُفْعٍ وَ نَاحِيَةٍ»^۱ (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۱۱۹) در این گزاره روایی فهم دین و گسترش آموزه‌های امامان شیعی عليهم السلام به نواحی و کشورهای مختلف در شمار فواید حج برشمرده شده است. این مهم به نوعی در سایه ارتباط آگاهانه با شهروندان عادی دیگر کشورها و در فضایی غیر رسمی قابل دسترسی است؛ توضیح آنکه این گزاره‌های قرآنی و روایی در باب حج، ضمن تأکید بر بایستگی اهتمام به برگزاری پرشور حج، بر مشارکت فعال در آن تأکید می‌کنند؛ چنان‌که به نقش آن در گسترش آموزه‌های دینی و معارف نبوی و علوی نیز اشاره دارند.

بر این اساس بایسته است که با مشارکت فعال و منسجم در این کنفرانس سالانه - که حج‌گزارانی از فرهنگ‌ها و ملیت‌های مختلفی در آن شرکت می‌کنند - با دیپلماسی معطوف به شهروندان دیگر کشورهای اسلامی، ضمن تبیین معارف اسلام شیعی و رفع و دفع شبهات ناروا، راهبردی برای ارتباط با فضای نخبگانی جهان اسلام و تأثیرگذاری و بهره‌بری از ظرفیت‌های ایشان در نظر گرفته شود. همچنین می‌توان برای ارتباط غیر رسمی تشکل‌های مردم‌نهاد مذهبی، فرهنگی و اقتصادی زمینه‌سازی، و پیشبرد نوعی از دیپلماسی را در

۱. فهم دین و گسترش آموزه‌های امامان عليهم السلام به نواحی و کشورهای مختلف از جمله فواید حج است.

فضایی غیر رسمی به ایشان و آحاد حج‌گزاران محول کرد. در این میان توجه و سرمایه‌گذاری بر مسئله فلسطین در دیپلماسی عمومی راه‌گشاست؛ چنان‌که می‌تواند منجر به تحریک افکار عمومی کشورهای محور فتنه صلح ابراهیم شود و به عقیم شدن این توطئه بینجامد. بر این اساس اهتمام به حج و حج‌گزاری و بهره‌بری از پتانسیل‌های آن در ابعاد مختلف، می‌تواند به ارتقای دیپلماسی عمومی در فضایی چندملیتی و چندفرهنگی کمک شایانی کند.

برنامه اقدام مشترک صلح حدیبیه و دیپلماسی مذاکره چندساخته با

محوریت روایت حج

سیره رسول‌الله ﷺ در صلح حدیبیه و برنامه اقدام مشترک وی با کفار به نوعی دیپلماسی مذاکره چندساخته با محوریت روایت حج است؛ توضیح آنکه طبق گزارشات تاریخی، رسول خدا ﷺ اول ذی‌القعدة سال ششم پس از هجرت، بدون سلاح جنگی و با شماری از مسلمانان به قصد حج‌گزاری از مدینه خارج شد. (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۷۳؛ ابن هشام، ۱۳۴۸ش، ج ۳، ص ۳۰۶) این اقدام پیامبر ﷺ پس از رؤیای صادقه ایشان مبنی بر وارد شدن به مسجدالحرام بود. (فتح: ۲۷) در جریان این سفر، قریش از ورود پیامبر ﷺ و یارانش به مکه جلوگیری، و در منطقه حدیبیه سفرائی میان قریش و پیامبر ﷺ و رفت‌وآمد کردند تا مشکل به نحوی حل شود. سرانجام قریش سهیل بن عمرو را برای مذاکره خدمت پیامبر ﷺ فرستادند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲۲، ص ۱۱-۱۲) در این پیمان بر تعهد به اقدامات مشترک ذیل تأکید می‌شد:

۱. ده سال میان طرفین صلح برقرار گردد تا مردم در امنیت و آرامش زندگی کنند.

۲. مسلمانان آن سال بدون زیارت خانه خدا به مدینه بازگردند و سال بعد برای به جا آوردن عمره وارد مکه شوند؛ مشروط بر اینکه جز سلاح مسافر، سلاحی به همراه نداشته باشند و بیش از سه روز در مکه اقامت نکنند. قریش نیز در این مدت شهر را ترک کنند.

۳. مسلمانان متعهد شدند افرادی را که از مکه به مدینه می‌گریزند، به مکه بازگردانند؛ اما طرف مقابل چنین تعهدی نسبت به فراریان مدینه نداشت.

۴. سایر قبایل در هم‌پیمانی با قریش و مسلمانان آزاد و مختار باشند. طبق گزارش‌های تاریخی در روند نهایی شدن متن پیمان‌نامه، بین نماینده قریش و پیامبر ﷺ و مسلمانان اختلافاتی روی داده که به وضوح نشان از انعطاف و کلان‌نگری پیامبر ﷺ با توجه به اهداف ایشان از این صلح است. (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۶۷؛ نسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۱۶۷؛ ابن حجر عسقلانی، بی‌تا، ج ۷، ص ۵۰۳؛ بدرالدین عینی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۷۵؛ ابن بطال، ۱۴۲۳ق / ۲۰۰۳م، ج ۸، ص ۸۸)

قرآن از این صلح به فتح و پیروزی تعبیر می‌کند؛ (فتح: ۱-۳) پیروزی غیر قابل انکار و آشکاری که به نوعی از آن به اتمام نعمت الهی تعبیر شده و برآیند پیروزی همراه با عزت است. مورخان تأکید می‌کنند که این صلح به نوعی آغازی بر پایان شرک در حجاز و دروازه فتح حجاز است. (جعفریان، ۱۳۸۲، ص ۵۷۷) این پیمان‌نامه به نوعی از مؤیدات انگاره اصالت الصلح در سیره رسول الله ﷺ است.^۱

همچنین این پیمان‌نامه به نوعی برنامه اقدامات مشترکی است که مسلمانان و قریش در مدتی مشخص، متعهد به انجام دادن آن می‌شوند. شروع مذاکرات برای گرفتن اجازه و روایت حج‌گزاری است. قریش پیش‌شرط چشم‌پوشی مسلمانان از عمره سال مذاکره را به عنوان خط قرمز و مسئله غیر قابل مذاکره مطرح کردند. البته در مذاکرات به دیگر موضوعات مورد اختلاف - از جمله فراریان از دولت شهرهای مکه و مدینه - نیز پرداخته و به توافق دوجانبه

۱. «معاهدات صلح ایشان با یهودیان بنی‌قین قاع، بنی‌نضیر، بنی‌قریظه، خیبر، فدک، تیما، مقنا، اذرخ و جریا، اهالی تبوک، مسیحیان ایله و دومة الجندل و نجران و زرتشتیان بحرین نیز در راستای همین رویکرد تعاملی ایشان است». (بوازار، ۱۳۸۱ش، ص ۳۰؛ ابن زنجویه، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۴-۳۳۱؛ ابن هشام الحمیری المعافری، بی‌تا، ج ۱، ص ۴-۵۰۱؛ حسینی، ۱۳۸۲ش، ص ۲۳۲؛ فتلاوی، ۲۰۱۴م، ص ۲۰۷ - ۲۷۵)

رسیده‌اند؛ چنان‌که در جریان گفت‌وگوها بحث از هم‌پیمانان منطقه‌ای طرفین مورد مذاکره بوده و بر آزادی اراده سیاسی ایشان تأکید شده است. این مذاکره و برون‌داد آن که در قالب برنامه‌ای برای اقدامات مشترک است، ضمن تأکید بر اصل گفت‌وگو و مذاکره، به نوعی طرحی مفهومی برای کاهش موقت نزاع و درگیری، بر پایه فرصت‌سازی برای استقرار، تحکیم و توسعه پایدار حوزه نفوذ معرفتی، سیاسی و نظامی است. فهم درست این سیره تاریخی می‌تواند زمینه‌ساز طراحی الگوریتم‌های ارتباط بین‌المللی جهان اسلام بر پایه خوانش عصری سیره و آموزه‌های نبوی و علوی شود؛ چنان‌که از جهت معرفتی به ارتقای دیپلماسی بر پایه روایی مذاکره و گفت‌وگو می‌انجامد.

آموزه‌های حج و دیپلماسی برای صلح جهانی

امروزه تلاش برای صلح و ثبات جهانی نیاز بین‌المللی، و مهم‌ترین هدف سازمان ملل متحد است. البته تلاش‌های بین‌المللی در این زمینه چندان موفق نبوده و درگیری، جنگ و منازعات، نمایش روزانه‌ای برای دنیای بشری است. دیپلماسی - که هنر یا دانش نیل به اهداف سیاست خارجی به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز است - در فضای هژمونی رویکردهای صلح و همزیستی، کارآمدی و کارایی بیشتری دارد. در این میان آموزه‌های حج - که پیام‌آور صلح و نوع‌دوستی است - می‌تواند کمک شایانی به شکل‌گیری گفتمان صلح و دیپلماسی برای صلح جهانی داشته باشد. طبق آموزه‌های قرآنی^۱ در ایام حج نه تنها درگیری و مناقشه، که مجادله نیز نارواست: ﴿الْحُجَّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَّضَ فِيهِنَّ الْحُجَّ فَلَا رَفْتٌ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالَ فِي الْحُجِّ﴾^۱ (بقره: ۱۹۷) قرآن کریم از جنگ در حریم حرم و مسجدالحرام نهی کرده است؛ مگر زمانی که افرادی این مکان مقدس را مکانی برای جنگ قرار دهند که به جهت دفاع، حرکت نظامی مشروع

۱. حج در ماه‌های معین و معلومی است (شوال، ذوالقعدة، ذوالحجه). پس کسی که در این ماه‌ها حج را [با احرام بستن و تلبیه] بر خود واجب کرد، [بداند که] در حج، آمیزش با زنان و گناه و جدال [جایز] نیست.

می‌شود: ﴿وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ﴾.^۱ (بقره: ۱۹۱)

این آموزه علاوه بر اینکه به شکل‌گیری ادبیات صلح در سطح جهانی کمک می‌کند، مبنای قابل‌اعتنایی برای شناسایی اماکن مذهبی در زمان جنگ و مناسبات مطرح در حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. هرچند این آموزه‌ها مرتبط با حج، حج‌گزاری و حرمین است، ولی به نظر می‌رسد به طور کلان، اندیشه تعامل و همزیستی مسالمت‌آمیز به عنوان رویکردی عقلی و منطقی مبتنی بر آموزه‌ها و مستندات اصیل اسلامی است؛ توضیح آنکه بازخوانی سیستمی و سازه‌ای نصوص و گزاره‌های دینی، اعم از قرآنی و روایی، در کنار توجه به درک عقل مؤید این مهم است که برخلاف فهم برخی که اسلام را دین تقابل می‌دانند و به لحاظ تبارشناسی^۲ به انگاره اصالت جنگ در زمینه تئوری‌های جنگ و صلح معتقدند، اسلام دین صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز است.

اگرچه برخی گزاره‌های قرآنی به طور مطلق جهاد را تشریح کرده‌اند، (توبه: ۵، ۲۹ و ۳۶؛ تحریم: ۹) ولی به نظر می‌رسد که فهم این نصوص در نظام معرفتی دینی و توجه به چارچوب نظری خاصی که این نظام در شکل‌گیری معرفت دینی دارد، در کنار توجه به رسالت‌های جهانی و جاودان اسلام، نشان از مناقشه جدی در مستندات انگاره تقابل و اصالت جنگ دارد؛ چنان‌که بایسته است توجه شود این گزاره‌ها، گزاره‌هایی است که پیامبر و پیام‌آورش به تأکید قرآن، پیامبر صلح، دوستی و رحمت برای همه جهانیان است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾؛ پیامبری که حتی برای گمراهی و لجاجت مردمان، چنان ناراحت و غمگین می‌شد که به تعبیر قرآن، گویی از شدت اندوه نزدیک بود جان شریفشان آسیب ببیند. (انبیاء: ۱۰۷؛ کهف: ۶؛ نحل: ۱۲۷؛ فاطر: ۸) از این رو آنچه

۱. و کنار مسجدالحرام با آنان نجنگید مگر آنکه در آنجا با شما بجنگند؛ پس اگر با شما جنگیدند، آنان را به قتل برسانید که پاداش و کیفر کافران همین است.

به ایشان و پیامش نسبت داده می‌شود باید با این ویژگی‌ها سنخیتی داشته باشد؛ چنان‌که مقتضای برخی گزاره‌های قرآنی نیز تأکید بر آموزه‌هایی است که منافی انگاره تقابل و اصالت جنگ هستند؛ مانند گزاره ﴿وَ الصَّلْحُ خَيْرٌ﴾ (نساء: ۱۲۸) که گزاره‌ای جهانی و جاودان، و سنجه‌ای برای ارتباطات مسلمان در گستره خانواده، جامعه اسلامی و جامعه بشری است. برخی دیگر از گزاره‌های قرآنی همسو با این گزاره عبارتند از: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ (بقره: ۲۰۸) و ﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (انفال: ۶۱)

همچنین قرآن کریم در راستای اصل صلح و تأکید بر همزیستی مسالمت‌آمیز در سایه مشترکات خداوند متعال، دعوت اهل کتاب به همزیستی مسالمت‌آمیز در سایه مشترکات را از جمله وظایف پیامبر ﷺ شمرده است: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَا مُسْلِمُونَ﴾^۱ (آل عمران: ۶۴)

قرآن کریم نه تنها پیامبر و مسلمانان را به همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران - به خصوص اهل کتاب - دعوت کرده و از بی‌احترامی به باورها، اعتقادات و نمادهای آیینی و مذهبی آنان منع کرده: ﴿وَلَا تُسَبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۲ (انعام: ۱۰۸) بلکه تورات و انجیلی را که در دست یهودیان و مسیحیان بوده است را تصدیق و تأیید می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

۱. بگو: «ای اهل کتاب، بیاید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما، بعضی دیگر را - غیر از خدای یگانه - به خدایی نپذیرد.» هرگاه [از این دعوت] سرباز زنند، بگویند: «گواه باشید که ما مسلمانیم!»

۲. [به معبود] کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید. مبدا آنها [نیز] از روی [ظلم و] جهل، خدا را دشنام دهند! این چنین برای هر امتی عملشان را زینت دادیم. سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است و آنها را از آنچه عمل می‌کردند، آگاه می‌سازد [و پاداش و کیفر می‌دهد]

آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ ﴿٤٧﴾ (نساء: ٤٧) ﴿وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾^٢
 (بقره: ١٠١)

بنابراین دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران باید در تمام سطوح بر پایه اصالت صلح و همزیستی باشد نه تضاد و درگیری و درگیری ایجاد کردن؛ چراکه به کنش‌های مسالمت‌آمیز برای نیل به اهداف سیاست خارجی در عرصه بین‌الملل، دیپلماسی گویند. باور به گفتمان صلح و گفت‌وگو، مهم‌ترین بنیان معرفتی برای شکل‌گیری و ارتقای دیپلماسی و برون‌رفت از درخودماندگی معرفتی آن است. بر پایه این فهم، گفت‌وگو و ارتباط مداوم منطقی‌ترین راه حل برای برون‌رفت از مشکلات فیما بین در عرصه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. تأکید بر همزیستی در کنار رقابت و تلاش برای توسعه حوزه نفوذ، برون‌داد این فهم از دین است. نقطه مقابل آن نیز درگیری و تضاد و در نتیجه ناکامی و انزواست.

دیپلماسی حقوق بشری حج

دیپلماسی حقوق بشری به بهره‌بری از ادبیات و ارزش‌های نظام بین‌الملل حقوق بشر برای نیل به منافع و اهداف سیاست خارجی گویند. (مالرسون، ۲۰۱۴)

این مهم با امره شدن سطحی از قواعد و اصول حقوق بشری، ظرفیت مناسب اقناعی ایجاد کرده و در سطح گسترده‌ای دستاویزی برای فشار بر طرفی که دیپلماسی به آن معطوف است، شده است. با توجه به ظرفیت‌های بالای

۱. ای کسانی که کتاب [خدا] به شما داده شده، به آنچه [بر پیامبر خود] نازل کردیم - و هماهنگ با نشانه‌هایی است که با شماست - ایمان بیاورید.

۲. و هنگامی که فرستاده‌ای از سوی خدا به سراغشان آمد و با نشانه‌هایی که نزد آنها بود مطابقت داشت، جمعی از آنان که به آنها کتاب [آسمانی] داده شده بود، کتاب خدا را پشت سر افکندند؛ گویی هیچ از آن خیر ندارند!

معارف دینی - به ویژه آموزه‌های حج - در زمینه حقوق بشر، بهره‌بری از ادبیات حقوق بشری‌اشراب شده در گزاره‌های دینی مرتبط با حج، تأثیر بسزایی در شکل‌گیری و ارتقای دیپلماسی کارا و کارآمد دارد. برخی از ابعاد آموزه‌های حقوق بشری حج که به نوعی می‌تواند مبنایی برای ارتقای دیپلماسی منطقه‌ای و حتی بین‌المللی - به ویژه در چالش‌های مرتبط با جهان اسلام - باشد، به شرح ذیل است:

۱. حج؛ ارزش، آیین و میراث مشترک بشری

طبق گزاره‌های قرآنی، حج و حج‌گزاری آیینی مشترک است که به مسلمانان اختصاص ندارد. گزاره قرآنی ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ﴾^۱ (آل عمران: ۹۷) ادای حج را وظیفه همه انسان‌ها، و گزاره ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾^۲ (آل عمران: ۹۶) خانه کعبه را اولین عبادتگاه آنها دانسته است. ترکیب ﴿وُضِعَ لِلنَّاسِ﴾ و قید ﴿هُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾ در این گزاره قرآنی بر مشترک و بین‌المللی بودن این آیین تأکید، و زمینه شکل‌گیری ارزش‌های مشترک انسانی و اسلامی را پی‌ریزی می‌کند.

همچنین طبق آموزه‌های قرآنی، کعبه ملجأ و مرجعی برای هدایت همه جهانیان است؛ چنان‌که در گزاره‌های قرآنی ذیل بر عدم اختصاص حج و خانه کعبه و حرم شریف به نژاد، قوم یا پیروان دین خاصی تأکید شده است: ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ (بقره: ۱۲۵)

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ يَظْلَمِ نَفْسَهُ مِن عَذَابِ آلِيمٍ﴾ (حج: ۲۵)

۱. و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند.

۲. نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شده در سرزمین مکه است که پربرکت و مایه هدایت جهانیان است.

— ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾
(حج: ۲۷)

وجود ارزش‌ها و آیین‌های مشترک دینی از این حیث اهمیت دارد که دستیابی به حقوق مشترک جهانی در زمینه مناسبات بین‌المللی را تسهیل می‌کند. همچنین می‌تواند مبنایی برای شکل‌گیری دیپلماسی باشد. بهره‌بری از این ادبیات در حوزه دیپلماسی منطقه‌ای و جهان اسلام می‌تواند زمینه‌ساز نیل به اهداف منطقه‌ای سیاست خارجی باشد.

۲. حج و برابری مطلق انسان‌ها و دولت‌ها

فقره ﴿سَوَاءٌ أَعَاكُفُ فِيهِ وَالْبَادِ﴾ در گزاره قرآنی ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً أَعَاكُفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ يُظْلَمِ نُذُوقَهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ﴾^۱ (حج: ۲۵) بر مساوات و برابری همه‌جانبه انسان‌ها و دولت‌ها در حرم تأکید می‌کند. برابری و مساوات همه‌جانبه انسان‌ها و دولت‌ها در حج، سرمایه‌ای گرانبها برای شکل‌گیری ارزش‌های مشترک حقوقی در روابط بین‌الملل بر پایه برابری انسان‌ها و دولت‌هاست؛ مسئله‌ای که اگرچه در بعد انسانی در اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام شده، ولی عینیت بین‌المللی نشان می‌دهد که جامعه بین‌الملل در تحقق آن ناکارا بوده است. برابری دولت‌ها در نظم بین‌المللی کنونی به اسطوره می‌ماند تا حقیقت. سازمان ملل متحد که باید نماد و سازکاری برای تحقق این هدف باشد، با پذیرش «حق و تو» و دخالت‌های نابجای برخی دولت‌ها، در زمینه گفتمان‌سازی و تحقق برابری دولت‌ها ناموفق بوده است. بر این اساس ظرفیت گفتمانی این

۱. کسانی که کافر شدند و مؤمنان را از راه خدا و از مسجدالحرام، که آن را برای همه مردم مساوی قرار دادیم اعم از کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند و یا از نقاط دور وارد می‌شوند، باز می‌دارند (مستحق عذابی دردناکند). و هرکس بخواهد در این سرزمین از طریق حق منحرف گردد و دست به ستم زند ما از عذاب دردناک به او می‌چشانیم.

گزاره قرآنی در زمینه برابری مطلق انسان‌ها و دولت‌ها در حج و حرم - با توجه به اینکه این مهم تنها به حج و حرم اختصاص نداشته و به نوعی گفتمان‌سازی برای شکل‌گیری و تربیت جامعه انسانی معتقد به این برابری است - می‌تواند سرمایه‌ای مغتنم برای گفتمان‌سازی در این زمینه در عرصه بین‌الملل باشد. همچنین در حوزه منطقه‌ای و جهان اسلام می‌تواند به عنوان مستمسکی منجر به مناقشه در صلاحیت تصدی‌گری کشوری خاص بر مسائل حج شود و اهرم فشاری بر ایشان باشد.

۳. حج و حقوق بین‌الملل مکان‌های مقدس

در فرهنگ قرآن، مسجدالحرام و حرم عبادتگاهی بین‌المللی است:

- ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكُعبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ﴾^۱
(مائده: ۹۷)

- ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾^۲ (بقره: ۱۲۵)

- ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾^۳ (آل عمران: ۹۶)
طبق این آموزه‌ها، این مکان حاکمیت خاصی ندارد و مکانی آزاد و بین‌المللی برای همه انسان‌هاست. گزاره قرآنی ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن

۱. خداوند، کعبه، بیت الحرام را وسیله‌ای برای سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده و همچنین ماه حرام و قربانیهای بینشان و قربانی‌های نشاندار.

۲. (و به خاطر بیاورید) هنگامی را که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم (و برای تجدید همین خاطره) از مقام ابراهیم نماز گاهی برای خود انتخاب کنید، و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف‌کنندگان و مجاوران و رکوع‌کنندگان و سجده‌کنندگان پاک و پاکیزه کنید.

۳. نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد در سرزمین مکه است که پر برکت و مایه هدایت جهانیان است.

سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ^۱ (حج: ۲۵)

نیز مؤید این فهم است. این آموزه اسلامی در زمینه حرم، ظرفیت بالایی برای شکل‌گیری حقوق بین‌الملل مکان‌های مقدس در سطح بین‌الملل دارد و راهکاری مناسب پیش روی چالش‌های مرتبط با این مسئله قرار می‌دهد. این مهم به نوعی به اقتدار مطلق و صلاحیت‌های حاکمیتی دولت سعودی در مسائل مرتبط با حج و حریم پایان می‌دهد. دیپلماسی مبتنی بر این ادبیات با به چالش کشیدن حاکمیت مطلق پسا وستیفالیایی سعودی، نقطه قوتی برای نیل به اهداف سیاست خارجی منطقه‌ای و حتی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران است.

حرم و امنیت مطلق انسان و حیوان: بنیانی برای ترویج دیپلماسی بشردوستانه

دیپلماسی بشردوستانه به عنوان ابزاری در خدمت سازمان‌ها و نهادهای بشردوستانه است. دیپلماسی بشردوستانه در مخاصمات، درگیری‌ها، شرایط جنگی و بحران‌های مختلف تصمیم‌سازان و کنش‌گران را قانع می‌کند که ضمن احترام به اصول بنیادین حقوق بشردوستانه، به نفع مردم آسیب‌پذیر و در راستای امنیت همه‌جانبه ایشان اقدام کنند. (مینر و اسمیت، ۲۰۰۶)

البته بهره‌بری از این دیپلماسی، مختص نهادهای بشردوستانه نیست؛ بلکه بازیگران دولتی هم - مشروط به فاصله‌گیری از دیپلماسی کلاسیک - می‌توانند در راستای اقناع و حتی فشار بر طرف مقابل از دیپلماسی بشردوستانه بهره ببرند.

برخی آموزه‌های مرتبط با حج، به ویژه آموزه‌های ناظر به حرم، می‌توانند به

۱. کسانی که کافر شدند و مؤمنان را از راه خدا و از مسجدالحرام، که آن را برای همه مردم مساوی قرار دادیم اعم از کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند و یا از نقاط دور وارد می‌شوند، باز می‌دارند (مستحق عذابی در دناکند).

توسعه ادبیات دیپلماسی بشردوستانه کمک کنند؛ توضیح آنکه طبق آموزه‌های اسلامی، امنیتی مطلق در حرم حاکم است که شامل انسان و حیوان می‌شود. حرم پناهگاهی امن با درجه امنیت بسیار بالا برای همه موجودات است:

- ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾. (آل عمران: ۹۷)

- ﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَفُّ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَ

بِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ﴾.^۱ (عنکبوت: ۶۷)

بر اساس گزارش قرآن، ابراهیم علیه السلام نیز از خداوند امنیت و حمایت‌های امنیتی از حرم را درخواست کرده است: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا﴾.^۲ (ابراهیم: ۳۵) امنیت این مکان تا به آنجاست که حتی کسی که جنایتی کرده، اگر به حرم وارد شود، تعدی به او نارواست و تا زمانی که در حرم است در امان است: «... إِذَا أَحْدَثَ الْعَبْدُ فِي غَيْرِ الْحَرَمِ جِنَايَةً ثُمَّ فَرَّ إِلَى الْحَرَمِ لَمْ يَسْعَ لِأَحَدٍ أَنْ يَأْخُذَهُ فِي الْحَرَمِ...».^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۲۶) از این امنیت نه تنها انسان، که حتی پرندگان و حیوانات وحشی نیز برخوردارند: «وَمَنْ دَخَلَهُ مِنَ الْوَحْشِ وَالطَّيْرِ كَانَ آمِنًا مِنْ أَنْ يُهَاجَ أَوْ يُؤْذَى حَتَّى يُخْرَجَ مِنَ الْحَرَمِ». (همان جا)

آموزه‌های اسلامی در زمینه امنیت حرم می‌تواند در نهادینه کردن امنیت در عرصه بین‌الملل و گفتمان‌سازی در این زمینه نقش‌افزینی کند. همچنین می‌تواند به عنوان یکی از مبانی و ارزش‌های حقوق بشردوستانه مطرح شود و سازمان‌های فعال در زمینه حقوق بشردوستانه، مثل کمیته جهانی صلیب سرخ، نیز از این ظرفیت در عرصه جهانی یا حداقل در گستره کشورهای اسلامی یا منازعاتی که مسلمانان یا دولت‌های اسلامی به نوعی با آن درگیرند، استفاده

۱. آیا ندانسته‌اند که ما [شهرشان مکه را] حرم امنی قرار داده‌ایم [که در آن با آسایش و آرامش و محفوظ از قتل و غارت زندگی می‌کنند].

۲. و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم گفت: «پروردگارا، این شهر (مکه) را منطقه‌ای امن قرار ده».

۳. هنگامی که بنده در غیر حرم مرتکب جنایتی شد سپس به سوی حرم گریخت کسی نمی‌تواند او را در حرم دستگیر کند....

کند. البته سیاست‌های حاکمیت عربستان - که خود را به اسلام و آموزه‌های قرآن ملتزم می‌دانند - نیز باید در جهت تأمین و شناسایی این امنیت باشد. بر این اساس تعدی به جان حاجیان و حج‌گزاران یا حتی کسانی که با انگیزه دیگری به جز حج وارد حرم می‌شوند یا سهل‌انگاری و سوء مدیریت در این مورد با این منطق قرآنی در تضاد است. این مهم می‌تواند در دیپلماسی منطقه‌ای جمهوری اسلامی مبنایی برای مطالبه‌گری باشد. در دیپلماسی عمومی معطوف به شهروندان کشورهای اسلامی نیز به جهت آشنایی ایشان با این گفتمان، بهره‌بری از این ادبیات به ارتقا و کارایی دیپلماسی عمومی منجر می‌شود.

آموزه‌های حج و لزوم توجه به دیپلماسی محیط زیستی

دیپلماسی محیط زیستی^۱ از ابزارهای امروزی سیاست خارجی است. این دیپلماسی نهایتاً به تعمیق روابط بر پایه نوع‌دوستی و همکاری بشری برای پاسداری و نگهداری از زمین به عنوان خانه انسان^۲ و زیست‌بوم وی منجر می‌شود. برنامه محیط زیست ملل متحد،^۳ (UNEP)، مهم‌ترین برنامه بین‌المللی در زمینه محیط زیست، به عنوان یک حق بشری نسل سومی است.

همچنین حقوق بین‌الملل محیط زیست^۴ به نوعی دکترین و بنیان نظری برنامه اقدام و عمل محیط زیست سازمان ملل است. شماری از آموزه‌های حج به نوعی به این دیپلماسی مرتبط است و موجب ارتقا و توسعه آن می‌شود؛ از

1. Environmental Diplomacy.

۲. تعبیر «our home»، «خانه ما»، در مورد زمین، در مقدمه بیانیه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه ریو ۱۹۹۲ به کار برده شده است.

<https://undocs.org/en/A/CONF.151/26/Rev.1> (vol.I).

3. United Nations Environment Program.

4. International Environmental Law.

جمله حرمت صید در حرم. گزاره قرآنی ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمَّداً فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْياً بِالْعُقُوبَةِ أَوْ كَفَّارَةً طَعَامٍ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَاماً لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمِ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ﴾^۱ (مائده: ۹۵) از جمله مستندات و مبانی حمایت‌های زیست‌محیطی معارف و مناسک حج است. فقره ﴿وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمِ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ﴾ - که هشدار می‌دهد به تکرار دوباره صید در حرم است و به مرتکب دوباره آن وعید انتقام الهی را می‌دهد - گزاره‌ای عجیب است که مفاهیم و ادبیات بسیار متفاوتی را در حمایت از حیوانات و نمادهای زیست‌محیطی، پایه‌گذاری می‌کند. انتقام‌گیری از مرتکبان دوباره صید در حرم، نشان از امنیت مطلق حرم دارد. بنابراین حرم منطقه‌ای کاملاً حفاظت شده است و بالاترین درجه و هشدار امنیتی را برای حفاظت از حیوانات داراست.

ضمانت اجرایی بسیار بالایی که تعدی به امنیت حیوانات دارد، می‌تواند مبنایی برای سیاست‌های زیست‌محیطی بین‌الملل و حقوق بین‌الملل محیط زیست باشد. البته این حمایت زیست‌محیطی تنها مربوط به حیوانات نبوده و کندن درختان و گیاهان حرم نیز طبق آموزه‌های اسلامی نارواست. (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۲۶) آشنایی و تأکید بر این گفتمان قرآنی و دینی در زمینه محیط زیست می‌تواند پتانسیلی برای ارتقای دیپلماسی منطقه‌ای باشد و البته زمینه‌ساز شکل‌گیری اسناد و پروتکل‌های منطقه‌ای در زمینه محیط زیست شود.

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حال احرام شکار نکنید و هر کس از شما عمداً آن را به قتل برساند، باید کفاره‌ای معادل آن از چهارپایان بدهد؛ کفاره‌ای که دو نفر عادل از شما، معادل بودن آن را تصدیق کنند و به صورت قربانی به [حریم] کعبه برسد یا [به جای قربانی،] اطعام مستمندان کند یا معادل آن، روزه بگیرد تا کیفر کار خود را بچشد. خداوند گذشته را عفو کرده، ولی هر کس تکرار کند، خدا از او انتقام می‌گیرد و خداوند، توانا و صاحب انتقام است.

تحلیل و نتیجه‌گیری

تلاش برای ارتقا و توسعه دیپلماسی، امری بایسته و حتمی است. در این راه بهره‌بری از پیشینه‌های فرهنگی، تاریخی و البته دینی ضروری است. آموزه‌ها و معارف دینی به نحو کلان و آموزه‌های حج به نحو ویژه، پتانسیل‌های قابل اعتنایی در ارتقا و توسعه دیپلماسی دارد. بر اساس برون‌داد این پژوهش، موارد ذیل که به نوعی از حیث ماهیت شماری از یافته‌های عینی پژوهش یا تحلیل و پیشنهاد مرتبط است، به شرح ذکر می‌شود:

۱. اهتمام به حج و حج‌گزاری و بهره‌بری از پتانسیل‌های آن در ابعاد مختلف، می‌تواند به ارتقای دیپلماسی عمومی در فضایی چندملیتی و چندفرهنگی کمک شایانی کند. در این میان توجه و سرمایه‌گذاری بر مسئله فلسطین در دیپلماسی عمومی راه‌گشاست. همچنین می‌تواند منجر به تحریک افکار عمومی کشورهای محور فتنه صلح ابراهیم شود و به عقیم شدن این توطئه بینجامد.

۲. سیره رسول‌الله ﷺ در صلح حدیبیه و برنامه اقدام مشترک وی با کفار به نوعی دیپلماسی مذاکره چندساخته با محوریت روایت حج است. فهم درست این سیره تاریخی می‌تواند زمینه‌ساز طراحی الگوریتم‌های ارتباط بین‌المللی جهان اسلام بر پایه خوانش عصری سیره و آموزه‌های نبوی و علوی شود. همچنین از جهت معرفتی به ارتقای دیپلماسی بر پایه روایی مذاکره و گفت‌وگو می‌انجامد.

۳. از آنجا که دیپلماسی در فضای هژمونی رویکردهای صلح و همزیستی، کارآمدی و کارآیی بیشتری دارد، آموزه‌های حج که پیام‌آور صلح و نوع‌دوستی است، می‌تواند کمک شایانی به شکل‌گیری گفتمان صلح و دیپلماسی برای صلح جهانی داشته باشد. باور به گفتمان صلح و گفت‌وگو، مهم‌ترین بنیان معرفتی برای شکل‌گیری و ارتقای دیپلماسی و برون‌رفت از درخودماندگی

معرفتی آن است. بر پایه این فهم، گفت‌وگو و ارتباط مداوم، منطقی‌ترین راه حل برای برون‌رفت از مشکلات فیما بین در عرصه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است.

۴. با توجه به ظرفیت‌های بالای معارف دینی - به ویژه آموزه‌های حج - در زمینه حقوق بشر، بهره‌بری از ادبیات حقوق بشری اشراب شده در گزاره‌های دینی مرتبط با حج، تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری و ارتقای دیپلماسی کارا و کارآمد دارد. همچنین برخی از آموزه‌های مرتبط با حج - به ویژه آموزه‌های ناظر به حرم - می‌تواند به توسعه ادبیات دیپلماسی بشردوستانه کمک کند؛ همچنان‌که آموزه‌های حج در زمینه محیط زیست می‌تواند پتانسیلی برای ارتقای دیپلماسی منطقه‌ای باشد و البته زمینه‌ساز شکل‌گیری اسناد و پروتکل‌های منطقه‌ای در زمینه محیط زیست شود.

۵. آموزه‌های اسلامی در زمینه امنیت حرم می‌تواند در نهادینه کردن امنیت در عرصه بین‌الملل و گفتمان‌سازی در این زمینه نقش‌آفرینی کند. سیاست‌های حاکمیت عربستان - که خود را به اسلام و آموزه‌های قرآن ملتزم می‌دانند - نیز باید در جهت تأمین و شناسایی این امنیت باشد. این مهم می‌تواند در دیپلماسی منطقه‌ای جمهوری اسلامی، مبنایی برای مطالبه‌گری باشد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بطلال، علی بن خلف (۱۴۲۳ق/ ۲۰۰۳م)، شرح صحیح البخاری، جلد ۱۳، چاپ دوم، تحقیق ابوتیمیم یاسر بن إبراهیم، ریاض، مکتبة الرشد.
۲. ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی (بی تا)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، چاپ اول، تحقیق محب‌الدین الخطیب، بیروت، دارالمعرفة.
۳. ابن زنجویه، حمید بن مخلد (۱۴۰۶ق)، الأموال لابن زنجویه، جلد ۱، چاپ اول، تحقیق شاکر ذیب فیاض، السعودية، مرکز الملك فيصل للبحوث والدراسات الإسلامية.
۴. ابن هشام، عبدالملک بن هشام (۱۳۴۸ش)، السیرة النبویة، ترجمه سیدهاشم رسولی، جلد ۳، چاپ اول، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق)، الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله ﷺ وسننه وأیامه، جلد ۳، چاپ اول، بیروت، دار طوق النجاة.
۶. بدرالدین عینی، محمود بن أحمد (بی تا)، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، جلد ۱۳، چاپ اول، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۷. بوازار، مارسل (۱۳۸۱ش)، اسلام و حقوق بشر، چاپ اول، ترجمه محمد مؤیدی، تهران، خانه اندیشه.
۸. حسینی، بهاء‌الدین (۱۳۸۲)، محمد، باده ناب، چاپ اول، سنندج، انتشارات کردستان.
۹. جعفریان، رسول (۱۳۸۲)، تاریخ سیاسی اسلام: سیره رسول خدا، چاپ اول، قم، دلیل ما.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، جلد ۱۱، چاپ اول، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۱۱. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵ش)، علل الشرائع، جلد ۲، چاپ اول، قم، کتابفروشی داوری.
۱۲. _____، (۱۳۸۷ش)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، جلد ۲، چاپ اول، تهران، نشر جهان.
۱۳. طلوعی، محمود (۱۳۸۵)، فرهنگ جامع علوم سیاسی، چاپ سوم، تهران، نشر علم.
۱۴. علی بابایی، غلامرضا (۱۳۸۷)،

فرهنگ روابط بین الملل، چاپ پنجم، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

۱۵. فتلاوی، سهیل حسین (۲۰۱۴م)، **القيم الاخلاقية فى دبلوماسية النبى محمد ﷺ: دراسة مقارنة فى القانون الدولى العام**، موسوعة القانون الدولى الاسلامى، چاپ اول، عمان، دارالتقافة.

۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الكافي**، جلد ۲ و ۴، تهران، دارالکتب الإسلامية.

۱۷. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، **شرائع الإسلام فى مسائل الحلال و الحرام**، چاپ دوم.

۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، **تفسیر نمونه**، جلد ۲۲، چاپ دهم، تهران، دارالکتب الإسلامية.

۱۹. مورگنتا، هانس. جی (۱۳۸۹ش)، **سیاست میان ملت‌ها: تلاش در راه قدرت و صلح**، ترجمه حمیراء مشیرزاده، چاپ چهارم، تهران، وزارت امور خارجه.

۲۰. نسائی، أحمد بن شعيب (۱۴۱۱ق)، **السنن الكبرى**، جلد ۵، چاپ اول، تحقیق عبدالغفار سلیمان البنداری و سید کسروی حسن، بیروت، دارالکتب

العلمية.

۲۱. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، **المغازی**، جلد ۲، چاپ اول، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

۲۲. هاشمی، سید محمد علی (۱۳۹۶)، **حج و حقوق بین الملل**، چاپ اول، تهران، مشعر.

ب) منابع لاتین و پایگاه داده:

23. Editor: Minear, Larry and Smith, Hazel, **Humanitarian Diplomacy: Practitioners and Their Craft**, Tokyo: UNU Press, 2006.

24. Geoff Berridge, Alan James, Brian, Sir Barder, **Dictionary of diplomacy**, Palgrave MacMillan, Year: 2001.

25. International Federation of Red Cross و IFRC's humanitarian diplomacy policy, Paris, May 2009.

26. Mullerson, Rein, "Human Rights Diplomacy", Routledge, Newyork, USA, 2014.

27. Nancy Snow, Philip M. Taylor, **Routledge Handbook of Public Diplomacy**, Routledge, Year: 2009.

28. Zdzislaw Kedzia, Amrei Müller and George Ulrich Michael O'Flaherty, **Human Rights Diplomacy:**

Contemporary Perspectives,
Nottingham Studies on
Human Rights, Martinus
Nijhoff, Year: 2011.

29. [https://undocs.org/en/A/C
ONF.151/26/Rev.1](https://undocs.org/en/A/C
ONF.151/26/Rev.1) (vol.I).

30. [https://www.britannica.co
m/topic/public-diplomacy](https://www.britannica.co
m/topic/public-diplomacy).
Accessed 3 February 2021.

31. <https://www.unep.org>.

32. (Minear & Smith, 2006, p9-
11; IFRC's humanitarian
diplomacy policy, May 2009)

